

برگی از تاریخ الموت (سیهسالار مقدم الدین محمد مبارز - کوتوال قلعه الموت)

عنایت الله مجیدی - پژوهشگر عرصه های تاریخی

بنا بر روایت علاء الدین عطا ملک جوینی (۶۲۳-۶۸۱ ق.)، منشی هلاکو خان و صاحب تاریخ جهانگشا، آن گاه که مغولان میمون دژ یا همایون دژ الموت را در پایان ماه شوال ۶۵۴ ق. به سقوط کشاندند، در شهرک رودبار که پیش از اسلام و بعد از اسلام تا پیش از اسماعیلیان، مرکز ملوک دیلم بوده است، نه روز به جشن و سرور پرداختند. سپس قلعه مشهور الموت را که در شرق آبادی گازرخان واقع است، به محاصره درآوردند.

اما مغولان با مقاومت مدافعان و رئیس قلعه که "مقدم" نام داشته است، روبرو شدند. جوینی که تنها راوی نبرد مغولان با اسماعیلیان الموت است، می نویسد: "... پادشاه هلاکو خان نه روز بر فتح و ظفر [در شهرک رودبار] جشن ساختند و از آنجا به پای [قلعه] الموت رفت و یک روز توقف نمود و رکن الدین را به پای قلعه فرستادند تا با آن قوم سخن گفت و ایشان را بخواند. مقدم آن قلعه مقدم تمرد نمود و از انحدار ابایی تمام کرد... تا در حضرت پادشاه عشرت ایشان را [رکن الدین خورشاه] شفیع شد و یرلیغ امان بستند و آنجا رفت و مقدم از قلعه به شیب آمد..."^۱

علامه محمد قزوینی (۱۲۵۶-۱۳۲۸ ش.) مصحح نستوه تاریخ جهانگشا با دقت ویژه خود درباره بخشی از اخبار جوینی که در بالا نقل شد، توضیحی کوتاه و مفید دارد: "کذا فی (آب). سایر نسخ مقدم دوم را ندارند. از سیاق عبارت واضح است که مقدم [یا مقدم الدین به قول جامع التواریخ تصحیح کاترمر ص ۲۰۴] نام رئیس قلعه بوده و نسخ غیر (آب) چون معنی عبارت را درست نفهمیده اند به خیال اینکه این کلمه تکرار است آن را حذف کرده اند"^۲. به برکت این توجه خاص علامه، نام رئیس قلعه الموت در نخستین مأخذ این خبر، یعنی تاریخ جهانگشا، به درستی باز شناخته می شود. این نکته مهم که علامه قزوینی بدان توجه کرده است، ظاهراً از دید ابوالقاسم کاشانی (وفات ۷۳۸ ق.) مؤلف زبدة التواریخ، دور افتاده. کاشانی می نویسد: "و خورشاه یرلیغ زنهار و امان [جهت ساکنان قلعه الموت از هلاکو خان] بستند، و خود آنجا رفت، و مقدم ایشان را از قلعه فرود آورد"^۳. روشن است که او از مقدم در این جا، معنای لغوی کلمه را اراده کرده است؛ یعنی رئیس قلعه الموت.

رشید الدین فضل الله همدانی (۶۴۸-۷۱۸ ق.) که جامع التواریخ (یک جلدی)

او با زبده التواریخ کاشانی تقریباً یکی است و کمتر اختلاف فاحشی در این دو متن به چشم می خورد، اما از جمله موارد اختلاف، همین خبر ما نحن فیه است که ظاهراً مؤلف جامع التواریخ متوجه اشتباه برخی نسخ تاریخ جهانگشا بوده است. او می نویسد: "مقدم الدین که مقدم قلعه بود، تمرد نمود... و [رکن الدین] ایشان را شفیع شد و یرلیغ امان بستند و از آنجا به [قلعه الموت] رفت و مقدم را از قلعه به شیب آورد...".^۴ همان مورخ در جای دیگر هم، همین معنا را بیان کرده است: "رکن الدین را به پای قلعه [الموت] فرستاد تا ایشان را فرو آورد. اسفهلار مقدم تمرد نمود".^۵ مصححان جامع التواریخ (چند جلدی) متوجه مقصود مؤلف در روایت اخیر نشده اند و به همین جهت در فهرست اعلام کتاب، مدخل "مقدم" دیده نمی شود و آن را در فهرست واژه ها و ترکیبات و... ذیل مدخل "اسفهلار مقدم"^۶ گنجانده که معلوم است معنای ترکیبی و اصطلاحی آن را مد نظر گرفته اند.

در بند "بخشی از تاریخ اسماعیلیان الموت" که در ۷۳۸ ق. فراهم آمده است، نام این مقدم و نسبت او با خداوندان الموت معلوم می شود: "دیگر سال [۶۵۳ ق.] هم لشکر یسور نوین در [منطقه الموت] در آمد و خداوند لشکریان را بخواند و اسفهلار مقدم کی خال شاهنشاه بود و او را معزول کرده بود، چون شاهنشاه را بکشتند، او را بخواند و سر لشکری به وی داد".^۷

حافظ ابرو هم موضوع رئیس قلعه الموت را نقل کرده است: "... و رکن الدین را به پای قلعه [الموت] فرستادند تا آن قوم را ایل و منقاد کند. مقدم الدین که مقدم قلعه بود تمرد نمود... [رکن الدین] شفیع شد و یرلیغ امان بستند و بدانجا رفت و مقدم را از قلعه به شیب آورد...".^۸

به استناد اخباری که از متون معتبر و کهن در بالا نقل کردیم، معلوم شد که این مقدم یا مقدم الدین در سال ۶۵۳ و ۶۵۴ ق. و در دوره علاء الدین محمد و رکن الدین خورشاه در حیات سیاسی اسماعیلیان الموت حضور فعال داشته و مطابق روایت جوینی، رشید الدین فضل الله و حافظ ابرو در هنگام هجوم مغولان، رئیس قلعه الموت بوده است.^۹

برابر خبر معتبر دیگری که بعد از این نقل خواهد شد، به نظر می رسد که این مقدم الدین، همان "مقدم الدین محمد مبارز" باشد که در سال ۶۵۳ ق. برای شکستن محاصره گرد کوه یا دز گنبدان از الموت به جانب دامغان مأموریت خطرناک و متهورانه ای را بر عهده گرفته است. او با رشادت توانسته است ساکنان آن قلعه را که بر اثر بیماری وبا و محاصره مغولان، دچار سختی شده اند، از سقوط حتمی نجات دهد. این خبر برگرفته

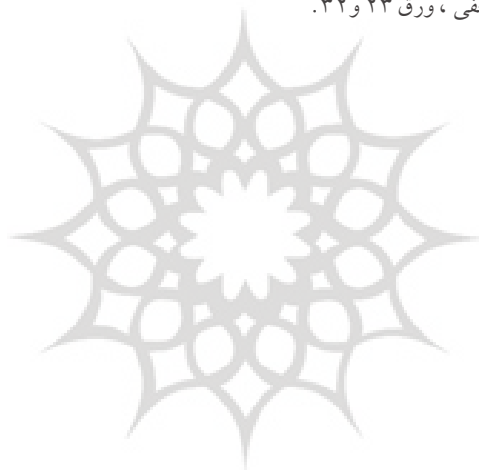
از مجموعه کهنی است که تحت شماره ۱۲۶۸۶ در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی نگهداری می شود. رساله دوم این مجموعه که در سال ۶۸۵ ق. تحریر یافته است، "ابتدای دولت مغول و خروج چنگیز خان" نام دارد که دارای ۳۴ صفحه می باشد و به قطب الدین شیرازی منسوب است^۱. بنابراین با توجه به تاریخ تحریر این رساله، بعد از تاریخ جهانگشای جوینی، نخستین اثر فارسی در تاریخ اسماعیلیان الموت به شمار می آید. اما آنچه را که در این رساله کوچک و ارزنده درباره مقدم - یا صحیح تر بگوییم مقدم الدین محمد مبارز - رئیس قلعه الموت - و ایفای نقش او در نجات مدافعان قلعه گردکوه آمده است، در زیر با هم می خوانیم:

"... [مغولان] به خراسان لشکرهایی ساخته به قهستان فرستاد و به اول یعنی سنه احدی و خمسين و ستمائه در ربیع الاول لشکری به پای گردکوه فرستاد و آن را در حصار گرفت به وصفی که هیچ کس چنان ندیده بود. در گرداگرد قلعه خندق عظیم بیریدند و در پس خندق دیواری محکم بساختند و در پس دیوار خانه ها ساختند و در پس آن خانه ها دیگر بساختند و خندقی در پس آن بساختند، چنانکه از اندرون قلعه اگر کسی بیرون آید یا اگر کسی از بیرون قصد آن جماعت کند، خندق و دیوار مانع به هر دو طرف باشد و خویشتن به پای قلعه رفت و یک و دو روز جنگ فرمود کردن. چون با اهل قلعه کاری میسر نمی شد، لشکری تمام آنجا نامزد فرمود و سروران مجد بر سر ایشان گماشت و بعد از یک سال کمایش و با درافتاد و اهل قلعه اکثر بمردند و خبر به نزدیک علاءالدین محمد پادشاه اسماعیلیان بردند کی قلعه گردکوه را مرد نماند و از دست بخواهد رفت. او صد مرد را بفرستاد در صحبت سپهسالار مقدم الدین محمد مبارز تا ایشان را ببرد و بران جماعت بگذراند کی حصار می دادند. چنانچ از آن صد مرد بیرون از یک مردکی در خندق افتاده بود و پایش از جای رفته و او را نیز بمردند، دیگر هیچ کس را رنجی نرسید و بر قلعه رفتند و کار قلعه محکم باز شد و حدود بیست سال آن قلعه در حصار بماند و به عاقبت خویشتن فرو آمدند و [مغولان] ایشان همه را بکشتند... ۱۱"

بی نوشت ها:

- ۱- جوینی، تاریخ جهانگشا، ج ۳، ص ۲۶۸-۲۶۹.
- ۲- همان، ج ۳، ص ۲۶۹.
- ۳- کاشانی، زبده التواریخ، تصحیح دانش پژوه، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۶، ص ۲۲۸.
- ۴- رشید الدین فضل الله، جامع التواریخ، تصحیح دانش پژوه و مدرس زنجانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶، ص ۱۹۱.

- ۵- همو، جامع التواریخ، تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، نشر البرز، تهران، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۹۹۰.
- ۶- همان، ج ۴، ص ۲۴۸.
- ۷- ضمن جنگ شماره ۲۸۶، کتابخانه سنای، سابق، ورق ۶۹-۷۰.
- ۸- حافظ ابرو، مجمع التواریخ السلطانیه، تصحیح مدرسی زنجانی، اطلاعات، تهران، ۱۳۶۴، ص ۲۷۸.
- ۹- نیز دیده شود: ستوده، منوچهر: قلاع اسماعیلیه در رشته کوههای البرز، طهوری، تهران، ۱۳۶۳، ص ۸۳: دفتری، فرهاد: تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره ای، نشر فرزانه، ۱۳۷۶، ص ۴۸۷.
- ۱۰- این رساله به تصحیح استاد ایرج افشار و از سوی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، به زودی منتشر می شود.
- ۱۱- قطب الدین شیرزای، رساله ابتدای دولت مغول و خروج چنگیزخان، ضمن مجموعه ۱۲/۸۸ ۱۲۸۶۸ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ورق ۲۳ و ۳۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی